

علل بروز و گسترش زمینه‌های قاچاق کالا

اشاره:

قاچاق کالا اثرات نامطلوبی بر کارکرد سیاست‌های تجاری و اقتصادی دارد. از این رو برای حمایت واقعی از اقتصاد کشور، مبارزه با قاچاق کالا ضرورت پیدا می‌کند. برای طرح‌ریزی برنامه جامع مبارزه با قاچاق کالا، صرف کنترل مبادی ورودی و خروجی و نیز مرزهای کشور کافی نیست، بلکه ضرورت دارد عللی که به قاچاق کالا می‌انجامد به دقت ارزیابی و شناسایی شوند.

سودآوری قاچاق کالا، تحت‌تأثیر عوامل و سیاست‌های اقتصادی، بخش عمده دلایل بروز و گسترش قاچاق کالا را تشکیل می‌دهد که ضرورت دارد مورد ارزیابی دقیق قرار گیرد.

در این گزارش تلاش داریم به بررسی پاره‌ای از عوامل مؤثر در بروز و گسترش قاچاق کالا اعم از کالاهای صادراتی و وارداتی بپردازیم تا برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران بتوانند با اقدامات عملی به مبارزه با قاچاق بپردازند. با هم این گزارش را می‌خوانیم.

عوامل مؤثر در قاچاق کالا

قاچاق کالا از دو جنبه کالاهای صادراتی و وارداتی قابل طرح و بررسی می‌باشد. هر یک از این دو جنبه تحت‌تأثیر عوامل مختلفی قرار دارند که قاچاق کالا را برای عاملان و واسطه‌های آن سودآور می‌سازند که به ارزیابی آنها می‌پردازیم.

۱- علل قاچاق کالاهای صادراتی:

به عقیده کارشناسان، عمده‌ترین دلیل قاچاق کالاهای صادراتی، تفاوت قیمت آنها در بازار داخلی و بازارهای خارجی به‌ویژه کشورهای همسایه می‌باشد که زمینه فعالیت عوامل قاچاق برای خروج غیرقانونی این کالاها را تقویت می‌کند. بهای برخی از کالاها مانند

فراورده‌های نفتی، آرد و...، به علت تعلق گرفتن یارانه به آنها، در بازار داخلی ایران به مراتب کمتر از کشورهای همسایه است و همین امر سبب می‌شود که قاچاق آنها حتی توسط افراد غیر قاچاقچی برای تأمین نیازهای ارزی‌شان در خارج از مرزها، صورت بگیرد.

آنچه مسلم است حمایت از مصرف‌کنندگان به ویژه اقشار آسیب‌پذیر اجتماعی از وظایف دولت می‌باشد و سالانه رقمی نزدیک به ۶ هزار میلیارد ریال دولت بابت یارانه جهت عرضه کالاهای اساسی و موردنیاز مردم به قیمت ارزان پرداخت می‌کند. تا زمانی که یارانه‌ها در اقتصاد ایران به صورت عمومی توزیع شود و به عبارت دیگر هدفمند نشود، تفاوت قیمت کالاهای



یارانه‌دار در بازار داخلی با بازارهای خارجی، سبب می‌شود که قاچاق

دست بکشند.

خارجی از بین می‌برد، در مقابل زمینه فعالیت برای عوامل قاچاق را باز می‌کند. لذا ضرورت دارد که کار صادرات به عنوان یک فرهنگ و باور ملی در جامعه ارزش پیدا کند و موضوع صدور مازاد کالاها به بازارهای خارجی از اذهان عمومی خارج گردد. کار صادرات نیازمند استمرار و تداوم می‌باشد و لذا برای دفاع از صادرات قانونی تحمل فشارهایی از ناحیه کمبود کالا در بازار داخلی و... در پاره‌ای مواقع ضرورت پیدا می‌کند.

با این وصف
ایجاد
محدودیت‌های
قانونی (مانند منع
صدور کالا یا صدور
کالا در انحصار
دولت یا ارگان
خاص و...) نه تنها به

صادرات کالا لطمه می‌زند، بلکه زمینه گسترش قاچاق کالا را فراهم می‌سازد. در این صورت نه تنها مشکل بازار داخلی حل نمی‌شود، بلکه ارزی که از صدور قانونی کالا می‌توانست به اقتصاد ملی بازگردد و در تأمین بخشی از نیازهای وارداتی مورد استفاده قرار گیرد، نیز از دسترس خارج می‌گردد. به عبارت دیگر اتخاذ سیاست‌های تجاری آزاد تا حدودی می‌تواند زمینه قاچاق کالا را از بین ببرد.

ذکر این نکته ضروری است که عوامل قاچاق کالا معمولاً کالاهایی را که خارج می‌کنند به بهای ارزان‌تر در بازار خارجی به فروش می‌رسانند و با این اقدام بازار کالاهای صادراتی را تضعیف می‌نمایند، به گونه‌ای که گاهی حضور و رقابت صادرکنندگان واقعی در این بازارها دشوار یا حتی غیرممکن می‌گردد. لذا باز کردن راه‌های قانونی برای صدور کالا، شفاف کردن قیمت‌ها

در همین حال تشریفات اداری صدور کالا نیز سبب می‌شود که انجام قانونی کار طولانی و هزینه‌بر شود و تمایل به آن کمتر شود. در حالی که عوامل قاچاق کالا نیازی به ارزیابی کالا از سوی نهادهای مسئول، پیمان‌سپاری، بازگرداندن ارز حاصل از صادرات در موعد مقرر و فروش آن به سیستم بانکی و در بورس و... ندارند و کارشان را با سود بیشتر و بدون تحمل تشریفات اداری،

○ عمده‌ترین دلیل قاچاق کالاهای صادراتی، تفاوت قیمت آنها در بازار داخلی با بازارهای خارجی، به‌ویژه کشورهای همسایه است که فروج غیرقانونی کالا به‌ویژه کالاهای یارانه‌دار را سبب می‌شود.

انجام می‌دهند. لذا تسهیل روند اجرایی کار صادرات کالا و کاهش تشریفات اداری (به‌ویژه تشریفات غیرضروری)، ارزیابی مناسب بهای کالاهای صادراتی (مدنظر قرار دادن قیمت‌های کف بازار و...)، کاهش تشریفات مربوط به فروش پیمان‌ها برای واردات کالاهای مجاز اعلام شده و... می‌تواند در تضعیف سودآوری فعالیت‌های قاچاق کالاهای صادراتی مؤثر باشد.

برخی کارشناسان معتقدند که سیاست‌های بازرگانی حمایتی و محدودکننده از عوامل مؤثر در گسترش قاچاق کالا می‌باشد. برای مثال مدنظر قرار دادن بازار داخلی و منع صدور کالاها برای تأمین نیازهای این بازار، سبب اتخاذ سیاست‌های منطقی می‌شود. این‌گونه سیاست‌ها اعتبار تجار و بازرگانان ایرانی که از طریق قانونی به صدور کالا می‌پردازند را نزد شرکای

کالاهای مذکور صورت بگیرد.

به عبارت دیگر تجدیدنظر در نظام پرداخت یارانه‌های اقتصادی و اجتماعی، توزیع صحیح این یارانه‌ها و تخصیص آنها به نیازمندان واقعی، باید در دستور کار برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران اقتصادی قرار گیرد. در غیر این صورت هزینه یارانه‌های پرداختی را که دولت با تحمل فشارهای مالی تأمین می‌کند، نه تنها به نیازمندان واقعی نمی‌رسد، بلکه عامل گسترش قاچاق کالاهای یارانه‌دار می‌شود.

به‌طور مسلم
شمار بسیاری از
عوامل قاچاق،
ضمن خارج کردن
غیرقانونی کالاها،
مبادرت به ورود
غیرقانونی یا قانونی
کالاها نیز می‌نمایند

و تمامی ارز حاصل از فروش کالاهای قاچاق صادراتی در بازارهای خارجی در آن سوی مرزها باقی نمی‌ماند، بلکه برای افزایش سودآوری، بارها به‌طور غیرقانونی به اقتصاد کشور وارد و از آن خارج می‌شود. به عبارت دیگر قاچاق کالاهای صادراتی، بخشی از ارز مورد نیاز ورود کالاهای قاچاق را نیز تأمین می‌کند و مبارزه جدی با آن یکی از پایه‌های ورود قاچاق کالا را نیز تضعیف می‌نماید. کارشناسان عقیده دارند که تفاوت نرخ ارز (ارز واریزنامه‌ای و بازار غیررسمی) نیز یکی از عوامل قاچاق کالاهای صادراتی است. زیرا ارز حاصل از صدور غیررسمی کالا براساس هر دلار بین ۶۸۰۰ تا ۷۰۰۰ ریال محاسبه می‌گردد، در حالی که نرخ ارز واریزنامه‌ای حدود هر دلار ۵۵۰۰ تا ۵۷۰۰ ریال است. لذا مادامی که این تفاوت نرخ وجود دارد، نمی‌توان انتظار داشت که عوامل قاچاق از فعالیت خود



می‌شود و از سوی دیگر تأمین نیازهای وارداتی با هزینه کمتر را میسر نمی‌سازد. اما باید دقت داشت که تعرفه‌های گمرکی سنگین بر برخی از کالاها، علت اصلی ورود قاچاق آنها می‌باشد. در هر حال تا زمانی که تقاضای داخلی برای این‌گونه کالاها وجود دارد، خواه و ناخواه ورود غیرقانونی آنها نیز توسط عوامل قاچاق انجام می‌شود.

برمبنای آمارهای موجود سالانه ۳ میلیارد دلار کالا به صورت قاچاق وارد کشور می‌شود که نه تنها از منابع سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های مولد اقتصادی و اشتغال‌زایی می‌کاهد، بلکه دولت را از دریافت حقوق واقعی خود از واردات کالا به علت ورود قاچاق آنها محروم می‌سازد.

از سوی دیگر، بازنگری در روش‌های حمایت از صنایع داخلی ضرورت دارد. برای مثال صنایع نساجی ایران حدود هفتاد سال قدمت دارد و هنوز قادر به رقابت با تولیدات خارجی

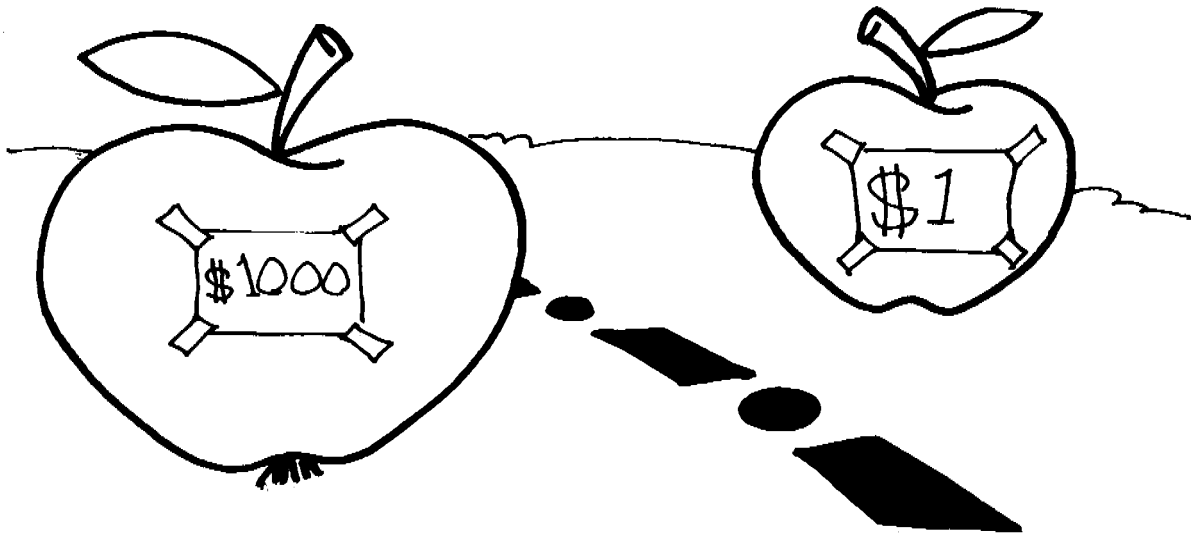
تشکیل می‌دهد. حقوق گمرکی و سود بازرگانی با هدف دفاع از تولیدات داخلی تعیین می‌شود و دولت با اعمال حقوق گمرکی و سود بازرگانی بالا بر کالاهای وارداتی قصد دارد از برخی تولیدات حمایت کند. گذشته از آنکه حمایت از تولیدات داخلی باید برمبنای واقعی و برای دوره‌ای معین جهت صنایع نوپا صورت گیرد تا بتواند کیفیت تولیدات ملی و قدرت رقابت آنها در مقابل کالاهای مشابه خارجی را افزایش دهد، حقوق گمرکی بالا می‌تواند مانع دستیابی به برخی اهداف دیگر مانند عضویت در سازمان‌ها و مجامع تجاری بین‌المللی و منطقه‌ای گردد و اقتصاد ملی را از بهره‌گیری از امتیازات این‌گونه سازمان‌ها و مجامع در دستیابی به بازارهای کشور عضو آن، محروم سازد. این امر در بلندمدت زیان‌های غیرقابل جبرانی به اقتصاد کشور وارد می‌کند. از یک سو گسترش صادرات غیرنفتی را مانع

در بازار داخلی و حذف یارانه‌ها در کنار پرداخت مستقیم یارانه‌ها به نیازمندان واقعی، شفاف نمودن ارزش ریال در برابر سایر ارزها و از بین بردن تفاوت قیمت ارز در بازار بورس و معاملات غیرمجاز (یکسان‌سازی نرخ ارز)، کاهش تشریفات اداری غیرضرور در امر صادرات کالا و... می‌تواند کار صادرات کالاهای غیرنفتی را تسریع نماید و در مقابل زمینه سود برای صدور غیرقانونی کالا را تهدید نماید.

آنچه مسلم است مبارزه واقعی با قاچاق کالا به عبارتی دفاع از کارکرد سیاست‌های بازرگانی و اقتصادی کشور می‌باشد و می‌بایست مدنظر برنامه‌ریزان و مسؤولان قرار گیرد.

۲- علل قاچاق کالاهای وارداتی:

به عقیده کارشناسان عمده‌ترین دلایل ورود کالاهای قاچاق را وجود تقاضای زیاد برای این‌گونه کالا و حقوق گمرکی و سود بازرگانی کالاهای وارداتی



کالاها با وجود قیمت گرانترشان، به نوعی کالای یک بار مصرف می‌باشند و مردم می‌بایست نسبت به این‌گونه موارد آگاه باشند.

به عقیده برخی کارشناسان یکی از عوامل مؤثر در گسترش ورود کالاهای قاچاق، مرزهای طولانی زمینی و دریایی و فقدان نظارت کافی بر آنهاست.

کارشناسان معتقدند که با افزایش‌های سنگین نرخ مؤثر سود بازرگانی، دولت به درآمد قابل توجه دست پیدا نمی‌کند، زیرا انگیزه ورود قاچاق کالا را بیشتر می‌کند و مستمسکی به دست فروشندگان برای افزایش قیمت کالاهای خارجی در بازار داخلی می‌دهد.

با توجه به این موارد، اغلب کارشناسان گسترش زمینه ورود قانونی کالا، تجدیدنظر در حقوق گمرکی و سود بازرگانی کالاها، حمایت واقعی از صنایع نوپا، تأثیرگذاری بر الگو و فرهنگ مصرفی جامعه، تأکید بر حقوق مصرف‌کنندگان در استفاده از کالاهای با کیفیت مرغوب و استاندارد و... را با هدف تأثیرگذاری بر کاهش ورود قاچاق کالا، توصیه می‌کنند.

کمی و کیفی تولیدات داخلی، می‌بایست الگوی مصرف و فرهنگ مصرفی در جامعه مورد سنجش قرار گیرد. در بسیاری از جوامع، با وجود عرضه کالاهای خارجی، مردم به مصرف به تولیدات ملی عادت دارند. در جوامعی مانند ژاپن با بهبود کیفیت و کمیت تولیدات داخلی و فرهنگ مردم به مصرف تولیدات داخلی، حتی فشارهای خارجی برای نفوذ بیشتر در بازار این کشورها، معمولاً با شکست روبرو می‌شود. همزمان با ارتقاء کیفیت تولیدات داخلی، مردم می‌بایست آموزش‌های لازم در زمینه ارجحیت استفاده از تولیدات ملی نسبت به کالاهای مشابه خارجی را بیینند. این وظیفه رسانه‌های جمعی است که در این زمینه تبلیغات لازم را به عمل آورند و فرهنگ عمومی را نسبت به مصرف تولیدات داخلی بیدار کنند و آگاهی مردم را از مضرات استفاده از کالاهای قاچاق بالا ببرند.

برای مثال کالاهایی مانند چای که به صورت قاچاق وارد کشور می‌شود، از نظر پرتونگاری مورد ارزیابی و سنجش قرار نمی‌گیرد و چه بسا مصرف آن سرطان‌زا باشد. یا کالاهای الکترونیکی که به وفور به صورت قاچاق وارد می‌شوند، فاقد لوازم و قطعات یدکی و خدمات پس از فروش می‌باشند و لذا این

نیست. آیا وضع تعرفه‌های سنگین بر واردات قانونی محصولات نساجی و پارچه می‌تواند در بهبود وضعیت این صنایع و به‌ویژه ارتقاء کیفیت تولیدات آنها مؤثر واقع شود؟ آنچه مسلم است صنعت نساجی و به‌طور کلی تمامی صنایع می‌بایست در یک شرایط رقابتی بتوانند به فعالیت خود ادامه دهند. حمایت از صنایع نوپا برای یک دوره پنج‌ساله قابل توجه و دفاع می‌باشد، اما استمرار این حمایت در بلندمدت مانع از ارزیابی واقعی فعالیت صنعت می‌شود. بررسی عوامل مؤثر در کارکرد ناقص صنایع از جمله مسایل مدیریتی الزامی است و می‌بایست در جای خود مورد ارزیابی، تحلیل، برنامه‌ریزی و... قرار گیرد. گره کور فقدان توان رقابت صنایع با اعمال تعرفه‌های سنگین بر واردات کالاهای مشابه تولیدات آنها باز نمی‌شود و بهره‌گیری بهینه از منابع و توانمندی‌های اقتصادی و تخصیص بهینه منابع را دچار اختلال می‌کند.

لذا بازننگری در سیاست‌ها و عملکرد بخش صنعت، ارایه راهکارهای مناسب برای ارتقاء کمی و کیفی تولیدات صنعتی، اعمال درست سیاست‌های حمایتی و نیز تجدیدنظر در تعرفه‌های گمرکی و سود بازرگانی الزامی است. به عقیده کارشناسان همزمان با ارتقاء